



نسل جدید
کتاب‌های
سیرت‌پیار
۳ × ۱



معمود الرضایی
(۱۳۰۴ - ۱۳۹۴ ه. ق.)



عربی دهم



علوم تجربی | ریاض و فیزیک

ویژه ارتقاء معدل

+ بیست و پنج ساعت فیلم آموزشی اختصاصی

مؤلف:
دکتر علی رستگار

نسل جدید

نسل قدیم



- ترجمه کلمه به کلمه و روان متن درس
- ارائه واژگان به همراه مترادف، متضاد و جمع مکسر
- پاسخ به کلیه تمرین های کتاب درسی
- ارائه قواعد کامل درس به همراه مثال
- ارائه ۱۲۰۰ پرسش امتحانی طبقه بندی شده همراه با پاسخ تشریحی



+ بیست و پنج ساعت
فیلم آموزشی اختصاصی

آنچه نسل جدید عربی دهم سیر تا پیاز را متمایز می کند...

دکتر آی کیو
DRIQ.com
آموزش برای همه

گاج مارکت
gajmarket.com
فروشگاه آنلاین

گاجینو
gajino.com
آموزش آنلاین

شابک ۹۷۸-۶۲۴-۰۳۰۰۸۱۳-۳

9 786220 308133

مقدمه مؤلف

سلام دوستان

درس عربی از دروسی است که از سال هفتم تحصیلی با آن آشنا می‌شوید و پایه این درس در همین سال بنا نهاده شده و آموزش آن از ساده‌ترین لغات و ابتدایی‌ترین قواعد شروع می‌شود. در سه سال متوسطه اول با مباحث ابتدایی عربی آشنا می‌شوید و در سه سال متوسطه دوم بر شما واجب است که ضمن دانستن مطالب متوسطه اول، دانستنی‌های خود را در این درس کامل کنید؛ یعنی باید یک برنامه شش ساله برای آموختن این درس در نظر بگیرید.

با ترجمه محور شدن کتاب‌های درسی عربی، تصوّر دانش‌آموزان این است که فقط با خواندن ترجمه، قادر به کسب نمره کامل این درس خواهند شد که این تصوّر اشتباه است و این درس با دروسی همانند قرآن، دین و زندگی، مطالعات اجتماعی و سایر دروس خواندنی متفاوت است. پس باید برای این درس همانند درس زبان انگلیسی و یا حتی درسی مانند ریاضی، وقت بگذارید چون این درس نیاز به یادگیری دارد و فقط حفظ لغات و مطالب نیست.

در کتابی که پیش روی شماست خلاصه تمامی مطالب (قواعد - ترجمه) سه سال اول متوسطه را در ابتدای کتاب آورده‌ایم تا با مرور آن‌ها به سراغ مطالب عربی دهم بروید. در ابتدای هر درس، لغات همان درس به صورت کامل که تمام لغات مهم آن درس و مترادف و متضادها و جمع‌های مکسر - نه صرفاً لغات واژه‌نامه (معجم) درس - آمده است. متن‌های هر درس نیز به شیوه کلمه به کلمه و روان ترجمه شده است و نکات مهم ترجمه‌ای یا قواعدی مربوط به آن‌ها نیز تا حد نیاز بیان شده است. قواعد هر درس توضیح داده شده و تمرین نیز ترجمه و حل شده است. در پایان هر درس نیز سؤالات امتحانی هر درس با پاسخ‌نامه برای شما عزیزان قرار داده شده است. امیدواریم با خواندن این کتاب در عربی دهم نمره ۲۰ بگیرید.

در پایان بر خود واجب می‌دانم از مدیریت محترم انتشارات بین‌المللی گاج و تمامی پرسنل زحمت‌کش آن به ویژه دوستان و سروران عزیز جناب آقای محمد جوکار و ابوالفضل مزرعتی صمیمانه تشکر کنم.

به امید موفقیت‌های بزرگت ...

دکتر علی رستگار (فیلی)

راهنمای استفاده از کتاب

برای کسب بهترین نتیجه در امتحانات مدرسه گام‌های زیر را به ترتیب برای هر فصل طی کنید.

فیلم آموزشی

۱. برای استفاده از فیلم‌های آموزشی هر درس QR-Code های صفحه بعد را اسکن کنید.
۲. در هر درس مطالب کتاب درسی به طور کامل تدریس شده است.

گام

اول

درسنامه آموزشی

۱. ترجمه کلمه به کلمه و روان متن درس
۲. ارائه واژگان درس به همراه مترادف، متضاد و جمع مکسر از متن درس و تمرین‌ها
۳. یادآوری کامل قواعد سه سال دوره اول متوسطه در درس اول
۴. آموزش کامل قواعد هر درس براساس چارچوب کتاب درسی به همراه مثال
۵. ارائه مکالمه و پاسخ به تمرینات کتاب درسی به همراه ترجمه کلیه تمرین‌ها

گام

دوم

پرسش‌های تشریحی

۱. ارائه سؤالات امتحانی در تیپ‌های مختلف
۲. ارائه پاسخ تشریحی به سؤالات
۳. ارائه دو نمونه امتحان نوبت اول و سه نمونه نوبت دوم منطبق بر استاندارد آموزش و پرورش یا پاسخ تشریحی

گام

سوم

بازمبندی درس عربی دهم

مهارت‌های زبانی	نوبت اول	نوبت دوم
مهارت واژه‌شناسی	۲	۲
مهارت ترجمه به فارسی	۷	۷
مهارت شناخت و کاربرد قواعد	۷/۵	۷/۵
مهارت درک و فهم	۲	۲
مهارت مکالمه	۱/۵	۱/۵
جمع	۲۰	۲۰

درس اول

اسکن کنید

ذَٰلِكَ هُوَ ٱللَّهُ

درس دوم

اسکن کنید

ٱلْمَوَاعِظُ ٱلْعَدَدِيَّةُ + ٱلْعَدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ

درس سوم

اسکن کنید

مَطَرُ السَّمَكِ + أَشْكَالُ ٱلْأَفْعَالِ (١)

درس چهارم

اسکن کنید

ٱلتَّعَاشُ ٱلسَّلْمِيُّ + أَشْكَالُ ٱلْأَفْعَالِ (٢)

درس پنجم

اسکن کنید

هَذَا خَلَقَ ٱللَّهُ + ٱلْجُمْلَةُ ٱلْفِعْلِيَّةُ وَ ٱلسَّمِيَّةُ

درس ششم

اسکن کنید

ذَوِ ٱلْقَرْنَيْنِ + ٱلْفِعْلُ ٱلْمَجْهُولُ

درس هفتم

اسکن کنید

يَا مَنْ فِي ٱلْبَحَارِ عَجَائِبُهُ
+ ٱلْجَارُّ وَ ٱلْمَجْرُورُ وَ نَوْنُ ٱلْوَقَايَةِ

درس هشتم

اسکن کنید

صِنَاعَةُ ٱلتَّلْمِيعِ فِي ٱلْأَدَبِ ٱلْفَارِسِيِّ
+ إِسْمُ ٱلْفَاعِلِ وَ إِسْمُ ٱلْمَفْعُولِ وَ إِسْمُ ٱلْمُبَالَغَةِ

فهرست

FILM	پاسخ	سوالات	درسنامه
–	–	–	۸
190 min	۱۳۰	۲۳	۱۸
178 min	۱۳۱	۳۶	۲۹
180 min	۱۳۳	۵۰	۴۲
170 min	۱۳۵	۶۳	۵۵
215 min	۱۳۶	۷۸	۶۹
154 min	۱۳۸	۹۲	۸۴
203 min	۱۴۰	۱۰۷	۹۷
178 min	۱۴۲	۱۲۲	۱۱۴

مروری بر قواعد متوسطه اول (هفتم، هشتم و نهم)

درس اول: ذاك هو الله

درس دوم: اَلْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ

درس سوم: قطر السمك

درس چهارم: التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ

درس پنجم: هذا خَلَقَ الله

درس ششم: ذوالقرنین

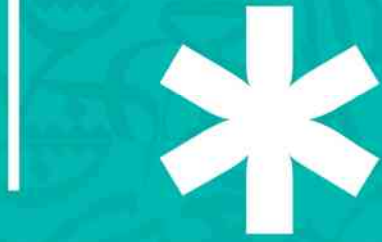
درس هفتم: يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ

درس هشتم: صناعة التلميع في الأدب الفارسي

نمونه سؤال امتحانی



۱۴۶	آزمون ۱: نوبت اول
۱۴۸	آزمون ۲: نوبت اول
۱۵۰	آزمون ۳: نوبت دوم
۱۵۲	آزمون ۴: نوبت دوم
۱۵۴	آزمون ۵: نوبت دوم
۱۵۶	آزمون ۶: خردادماه ۱۴۰۳
۱۵۸	پاسخ نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۶



دَرسنامہ

وسئالات تشریحی



مروری بر قواعد متوسطه

اول (هفتم، هشتم و نهم)

معرفی سه نوع کلمه

کلمه در عربی سه نوع است:

• اسم

• فعل

• حرف

- ۱ اسم: کلمه‌ای است که برای نامیدن (اشخاص، اشیاء و ...) از آن استفاده می‌شود، مانند: الكتاب، القلم، المدرسة و ...
- ۲ فعل: کلمه‌ای است که بر انجام دادن کاری یا پدید آمدن حالتی در زمان گذشته، حال و یا آینده دلالت دارد؛ مانند: ذَهَبَ (رفت)، يَذْهَبُ (می‌رود)، سَيَذْهَبُ (خواهد رفت)
- ۳ حرف: کلمه‌ای است که به خودی خود مفهوم مستقل و کاملی ندارد، به عبارت دیگر هر کلمه‌ای که نه اسم باشد و نه فعل، حرف محسوب می‌شود؛ مانند: مِن (از)، فِي (در)، إِلَى (به سوی)

نشانه‌های شناخت اسم

- ۱ هر کلمه‌ای که «ال» داشته باشد؛ مانند: المعلم، التلميذ، القلم و ...
- ۲ هر کلمه‌ای که تنوین (ـُ) داشته باشد؛ مانند: معلمٌ، تلميذاً، قلمٌ و ...
- ۳ هر کلمه‌ای که مضاف (اضافه شده) باشد؛ مانند: معلم المدرسة، كتابه و ...
- ۴ هر کلمه‌ای که آخر آن تاء گرد «ة» باشد؛ مانند: مدرسة، تلميذة و ...
- ۵ هر کلمه‌ای که پس از حروف جر (مِن، إِلَى، فِي و ...) بیاید؛ مانند: مِنَ المدرسة، إِلَى البيت و ...

انواع اسم از نظر جنس

- ۱ مذکر: اسمی است که بر جنس «نر» دلالت دارد؛ مانند: محمد، محمود، الديك (خروس) و الثور (گاو نر).
 - ۲ مؤنث: اسمی است که بر جنس «ماده» دلالت دارد؛ مانند: خديجة، فاطمة، الدجاجة (مرغ)، البقرة (گاو ماده).
- هر اسمی در عربی یا مذکر است یا مؤنث.
- علامت اصلی اسم مؤنث «ة» است؛ مانند: طالِبَة، تلميذة، اما مذکر نشانه ندارد؛ مانند: طالب، تلميذ.
- اسم‌هایی مانند «جَزِيْرَة» و «شَجَرَة» چون علامت «ة» دارند، مؤنث به شمار می‌آیند.

انواع اسم از نظر عدد (تعداد)

- ۱ مفرد: اسمی است که بر یک شخص یا یک چیز دلالت می‌کند؛ مانند: التلميذ، المعلم، المدرسة و ...
 - ۲ مثنی: اسمی است که بر دو شخص یا دو چیز دلالت می‌کند و دو علامت دارد:
- «ان»: طالبان، طالبان، معلمان، معلمتان.
- «تین»: طالبین، طالبین، معلمین، معلمین.



*

۳ جمع: اسمی است که بر بیش از دو شخص یا دو چیز دلالت می‌کند و تقسیم می‌شود به:

- الف) «جمع مذکر سالم»: که با افزودن «وَن» یا «یَن» به انتهای اسم مذکر ساخته می‌شود؛ مانند: معلّم + «وَن» یا «یَن» ← معلّمون، معلّمین.
 ب) «جمع مؤنث سالم»: که با افزودن «ات» به انتهای اسم مؤنث (البته پس از حذف «ة») ساخته می‌شود؛ مانند: معلّمة + ات ← معلّمات.
 ج) «جمع مکسر»: یعنی «شکسته» که در آن شکل مفرد کلمه تغییر می‌کند و به عبارتی در هم می‌شکند؛ مانند: حَدِیقَة ← حَدَائِق؛ مِفْتَاح ← مِفَاتِیح؛ طِفْل ← اَطْفال؛ عِثْرَة ← عِثَر.

نکته

کلمات «آیات، أصوات، أوقات و أموات» جمع مکسر هستند نه جمع مؤنث سالم؛ مفرد آن‌ها به ترتیب عبارت است از: «بَیت، صَوْت، وَقْتُت، مَیْت».

اسم اشاره

به اسمی که به وسیله آن به شخص، حیوان و شیء مورد نظر اشاره می‌کنیم، اسم اشاره گفته می‌شود و عبارت است از:

- «هذا» اسم اشاره برای مفرد مذکر
 - «هذه» اسم اشاره برای مفرد مؤنث
 - «ذلك» اسم اشاره برای مفرد مذکر
 - «تلك» اسم اشاره برای مفرد مؤنث
 - «هذان» اسم اشاره برای مثنای مذکر
 - «هاتان» اسم اشاره برای مثنای مؤنث
 - «هؤلاء» اسم اشاره برای جمع مذکر و مؤنث ^{به معنای} «این‌ها» برای اشاره به نزدیک (قریب)
 - «اولئك» اسم اشاره برای جمع مذکر و مؤنث ^{به معنای} «آن‌ها» برای اشاره به دور (بعید)
- به عبارت دیگر «هذا، هذه، هذان، هاتان و هؤلاء» اسم اشاره به نزدیک (قریب) و «ذلك، تلك و اولئك» اسم اشاره به دور (بعید) محسوب می‌شوند.

نکته

به اسم «ال» داری که پس از اسم اشاره و برای توصیف و توضیح آن می‌آید «المُشار إليه» گفته می‌شود؛
 مانند: هذا المعلّم ذلك الكتاب هؤلاء التلاميذ

نکته

برای اشاره به جمع غیرعاقل (غیرانسان) از اسم اشاره مفرد مؤنث «هذه» یا «تلك» استفاده می‌کنیم؛

مانند: هذه أشجارٌ تلك بیوتٌ
 اسم اشاره جمع مکسر اسم اشاره جمع مکسر
 مفرد مؤنث غیرعاقل مفرد مؤنث غیرعاقل

حال پس از یادگیری اسم‌های اشاره، خوب است جدول جمع‌بندی انواع آن را با ترجمه همیشه مدنظر داشته باشیم.

اسم اشاره		
هَذَا الْفَلَّاحُ		این کشاورز (مذکر)
هَذِهِ الْفَلَّاحَةُ		این کشاورز (مؤنث)

اسم اشاره		
هؤلاء الفلاحون هؤلاء الفلاحين		این کشاورزان (جمع مذکر)
هؤلاء الفلاحات		این کشاورزان (جمع مؤنث)
هذان الفلاحان هذين الفلاحين		این کشاورزان (مثنای مذکر)
هاتان الفلاحتان هاتين الفلاحتين		این کشاورزان (مثنای مؤنث)

انواع فعل از نظر زمان

- ۱ ماضی (ماضي): فعلی است که بر زمان گذشته دلالت دارد؛ مانند: ذهبْتُ: رفتم.
 - ۲ مضارع: فعلی است که بر زمان حال و آینده دلالت می‌کند؛ مانند: أذهبُ: می‌روم.
 - ۳ مستقبل (آینده): فعلی است که بر زمان آینده دلالت می‌کند و با افزودن «س» یا «سوف» بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود؛ مانند: سأذهبُ، سوف أذهبُ: خواهیم رفت.
- اگر بر سر فعل‌های ماضی یکی از حروف «أتین» یا به عبارتی دیگر همان «أ، ت، ی، ن» بیاید به فعل مضارع تبدیل می‌شود؛ مانند: ذهبَ ← أذهبُ، تذهبُ، يذهبُ، نذهبُ.

نکته

- در دستور زبان فارسی، فعل‌ها در ۶ شکل می‌آیند:
- ۱ اول شخص مفرد ← من رفتم
 - ۲ دوم شخص مفرد ← تو رفتی
 - ۳ سوم شخص مفرد ← او رفت
 - ۴ اول شخص جمع ← ما رفتیم
 - ۵ دوم شخص جمع ← شما رفتید
 - ۶ سوم شخص جمع ← ایشان (آن‌ها) رفتند
- اما در زبان عربی، فعل‌ها در ۱۴ شکل (صیغه) می‌آیند که اندکی بعد در قالب جدول، تمامی آن‌ها را مرور خواهیم کرد.

فعل نفی

- فعل ماضی با «ما» و فعل مضارع با «لا» منفی می‌شود؛ مانند:
- ما + ذهبْتُ (رفتم) = ما ذهبْتُ (نرفتم)
 - لا + أذهبُ (می‌روم) = لا أذهبُ (نمی‌روم)

فعل امر

- برای امر کردن یا بیان هر فعلی به صورت دستوری از این فعل استفاده می‌شود؛ مانند:
- تَفْعَلْ (انجام می‌دهی) ← اِفْعَلْ (انجام بده)
 - تَفْعَلِينَ (انجام می‌دهی) ← اِفْعَلِي (انجام بده)



شیوه ساخت فعل امر

- 1 حذف «ت» از ابتدای فعل مضارع و آوردن یک حرف «ا» به جای آن. (فعل امر از فعل مضارع ساخته می‌شود).
- 2 ساکن کردن آخر فعل «ئ» ← «ا» و یا حذف «نون»؛ به جز «نون» صیغه دوم شخص جمع مؤنث (للمخاطبات).
- به چند مثال در این زمینه توجه کنید:
- تَذْهَبْ: می‌روی ← اِذْهَبْ: برو • تَذْهَبَانِ: می‌روید ← اِذْهَبَا: بروید • تَذْهَبْنَ: می‌روید ← اِذْهَبْنَ: بروید

نکته

حرکت حرف «الف» که در ابتدای فعل امر می‌آید، براساس حرکت حرف ماقبل پایانی فعل مضارع است؛ اگر حرکت حرف ماقبل پایانی فعل مضارع، فتحه یا کسره باشد، حرکت الف ابتدای فعل امر کسره می‌شود و اگر ضمه باشد، ضمه می‌شود؛ مانند:

تَسْمَعُ ← اِسمَعْ؛ تَجْلِسُ ← اِجْلِسْ؛ تَكْتُبُ ← اِكْتُبْ

فعل نهی

- برای نهی کردن یا بازداشتن از انجام هر فعلی از فعل نهی استفاده می‌شود؛ مانند:
- تَفْعَلْ: انجام می‌دهی ← لَا تَفْعَلْ: انجام نده • تَفْعَلَيْنِ: انجام می‌دهی ← لَا تَفْعَلِي: انجام نده

شیوه ساخت فعل نهی

- 1 آوردن «لا» بر سر فعل مضارع. (فعل نهی نیز از فعل مضارع ساخته می‌شود).
- 2 ساکن کردن آخر فعل «ئ» ← «ا» و یا حذف «نون»؛ به جز «نون» صیغه دوم شخص جمع مؤنث (للمخاطبات)؛ مانند:
- تَذْهَبْ: می‌روی ← لَا تَذْهَبْ: نرو • تَذْهَبَانِ: می‌روید ← لَا تَذْهَبَا: نروید • تَذْهَبْنَ: می‌روید ← لَا تَذْهَبْنَ: نروید

نکته

فعل ماضی استمراری نشان‌دهنده کاری است که در گذشته چند بار تکرار شده است و از ترکیب «کان» + فعل مضارع ساخته می‌شود؛ مانند:

كَانُوا يَكْتُبُونَ ← می‌نوشتند كَانُوا يَذْهَبُونَ ← می‌رفتند كَانُوا يَفْعَلُونَ ← انجام می‌دادند

توجه!

ماضی نقلی فارسی نیز از ترکیب «قد» + فعل ماضی ساخته می‌شود؛

مانند: قَدْ ذَهَبَ ← رفته است. قَدْ كَتَبْتُ ← نوشته‌ام.

حال موقع آن است که با صیغه‌های (ساخت‌های) فعل‌ها و نام‌گذاری آن‌ها در دستور زبان عربی (جدول شماره ۱) و نیز مطابقت فعل‌ها با یکدیگر به همراه ترجمه هر کدام (جدول شماره ۲) آشنا شوید.

جدول شماره ۱					
نام صیغه (ساخت) به فارسی و عربی	ماضی	مضارع	امر	نهی	
اول شخص مفرد	فَعَلْتُ	أَفْعُلُ			
دوم شخص مفرد	فَعَلْتَ	تَفْعُلُ	اِفْعُلْ	لَا تَفْعَلْ	
سوم شخص مفرد	فَعَلَتْ	تَفْعَلِينَ	اِفْعَلِي	لَا تَفْعَلِي	
اول شخص جمع	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ			

جدول شماره ۱					
نام صیغه (ساخت) به فارسی و عربی	ماضی	مضارع	امر	نهی	
جمع مذکر مخاطب	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	إَفْعَلُوا	لَا تَفْعَلُوا	دوم شخص جمع
جمع مؤنث مخاطب	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	إَفْعَلْنَ	لَا تَفْعَلْنَ	
مثنای مذکر مخاطب	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	إَفْعَلَا	لَا تَفْعَلَا	
مثنای مؤنث مخاطب	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	إَفْعَلَا	لَا تَفْعَلَا	
جمع مذکر غائب	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ			سوم شخص جمع
جمع مؤنث غائب	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ			
مثنای مذکر غائب	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ			
مثنای مؤنث غائب	فَعَلَتَا	تَفْعَلَانِ			

جدول شماره ۲					
نام صیغه (ساخت) به فارسی	ماضی	مضارع	امر	نهی	
اول شخص مفرد	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ انجام می‌دهم			اول شخص مفرد
دوم شخص مفرد	فَعَلْتَ / فَعَلْتِ	تَفْعَلُ / تَفْعَلِينَ انجام می‌دهی	إَفْعَلْ / إَفْعَلِي	لَا تَفْعَلْ / لَا تَفْعَلِي	
سوم شخص مفرد	فَعَلَتْ / فَعَلْتُ	يَفْعَلُ / يَفْعَلُ			اول شخص جمع
اول شخص جمع	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ انجام می‌دهیم			
دوم شخص جمع	فَعَلْتُمْ / فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلُونَ / تَفْعَلْنَ انجام می‌دهید	إَفْعَلُوا / إَفْعَلْنَ	لَا تَفْعَلُوا / لَا تَفْعَلْنَ	اول شخص جمع
اول شخص جمع	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ انجام می‌دهیم			
دوم شخص جمع	فَعَلْتُمْ / فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلُونَ / تَفْعَلْنَ انجام می‌دهید	إَفْعَلُوا / إَفْعَلْنَ	لَا تَفْعَلُوا / لَا تَفْعَلْنَ	اول شخص جمع
اول شخص جمع	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ انجام می‌دهیم			
سوم شخص جمع	فَعَلُوا / فَعَلْنَ	يَفْعَلُونَ / يَفْعَلْنَ انجام می‌دهند			اول شخص جمع
اول شخص جمع	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ انجام می‌دهیم			

ضمیر

کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌شود و از تکرار مجدد آن جلوگیری می‌کند؛ مانند: هو، هی، أنا، أنت، نحن و ...

توجه!

در مبحث قواعد ضمیر، آن چه اهمیت بسیاری دارد مطابقت ضمیر با کلمات موجود در جمله است؛ مثلاً اگر ضمیر «أنا» در جمله وجود داشته باشد قطعاً فعل نیز باید از صیغه اول شخص مفرد یا همان متکلم وحده باشد. به چند مثال در این زمینه توجه کنید:

هُنَّ خَرَجْنَ
سوم شخص جمع - سوم شخص جمع

أَنْتَنِ تَجْلِسْنَ
دوم شخص جمع - دوم شخص جمع

أَنَا ضَرَبْتُ
اول شخص مفرد - اول شخص مفرد

أَنْتَ تَذْهَبُ
دوم شخص مفرد - دوم شخص مفرد

الدرس الاول

ذاك هو الله

۱

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ» الأنعام، ۱
ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را بنهاد.

واژگان

شَرَزَة اخگر (پاره آتش)	جَذْوَة پاره آتش	أبحاث تحقیق‌ها «مفرد: بَحْث»
صَارَتْ شُد (مؤنث صار)	جَعَلَ قرار داد، بنهاد	إِبْحَثْ تحقیق کن، جستجو کن
ظُلُمَات تاریکی‌ها «مفرد: ظُلْمَة»	جَوْ فضا، آسمان	أَحْجَار سنگ‌ها «مفرد: حَجَر»
صَخ قرار بده، بگذار	حَبَّة دانه	أَرْسَم رسم کن
ضِيَاء روشنایی	حَزِين ناراحت، غمگین	إِلَى اللَّقَاء به امید دیدار
عَقَارِب عقربه‌ها «مفرد: عَقْرِيَّة»	دَار - يَدُور چرخید - می چرخد	أَنْ أَسَافِر که سفر کنم
عَيْن چشمه «جمع: عُيُون»	دُور مرواریدها «مفرد: دُر»	أَنْجُم ستارگان «مفرد: نَجْم»
غَالِيَة گران، گران بها	ذَا این ← هذا	أَنْزَلَ نازل کرد
غُصُون شاخه‌ها «مفرد: غُصْن»	مَنْ ذَا «این کیست؟»	أَنْظَرُ نگاه کن
غِيَم ابر	ذات دارای	أَنْعَم نعمت‌ها «مفرد: نِعْمَة»
فُرَاغ جای خالی	ذَاكَ آن	أَوْجَد پدید آورد
فُسْتَان پیراهن زنانه	ذُو دارای	بَالِغ کامل
قَاعَة سالن	رَاسِب مردود	بِدَايَة شروع، آغاز
قَصِير کوتاه	رَخِيصَة ارزان	بَطَارِيَة باطری
قُل بگو	رَقَد خوابید	بِهَا یا آن، به وسیله آن
تَوَكَّب ستاره	زَان زینت داد	تَرْجَم ترجمه کن
تَكَيْف چگونه	شَاطِئ ساحل	تَعَاظف آشنایی
مُتَرَاكِم جمع شده، فشرده	شِرَاء خرید	تَمَر میوه



پاسخنامه

ذَلِكَ هُوَ اللَّهُ

الدرس الأول

- ۱ دارای - شاخه‌های - تر و تازه
- ۲ رشد کرد - دانه‌ای
- ۳ بگو - این - بیرون می‌آورد
- ۴ پاره آتش - فروزان
- ۵ نور
- ۶ به وجود آورد - پاره آتش
- ۷ آن - نعمت‌ها - فراوان
- ۸ صاحب - کامل
- ۹ زینت داد - ستاره‌ها - مرواریدها
- ۱۰ ابر - نازل کرد

- | | |
|----------------------------|-------------------------|
| الف (ضیاء = نور) | ب (ناجِح ≠ راسِب) |
| الف (نام = زَقْد) | ب (قَرِيب ≠ بَعِيد) |
| الف (مَجْتَهِد = مُجِدِّد) | ب (مَسْرُور ≠ حَزِين) |
| الف (ضیاء = نور) | ب (مَسْمُوح ≠ مَمْنُوع) |
| الف (اجْعَلْ = ضَع) | ب (رَخِیصَة ≠ غَالِیَة) |
| الف (شَرَرَة = جَدَوَة) | ب (بِيع ≠ شَرَاء) |
| الف (ناجِح = فائز) | ب (یَسَار ≠ یَمِین) |
| الف (عَیْم = سَحَاب) | ب (ظَلَمَة ≠ ضِیاء) |
| الف (فاکِهَة = ثَمَر) | ب (قَرِيب ≠ بَعِيد) |
| الف (حَبِيب = صَدِيق) | ب (جَمِیل ≠ قَبِیح) |
| ۲۱ نَجْم | ۲۶ الألوان |
| ۲۲ العُصُون | ۲۷ عَقَرَة |
| ۲۳ نِعْمَة | ۲۸ الجَمَل |
| ۲۴ الدُّرَر | ۲۹ الصَّدِيق |
| ۲۵ المَلْبَس | ۳۰ حَجَر |

بررسی گزینه‌ها:

- | | | | |
|--------------------|---|------------|------------|
| آبی * | قرمز * | نیکوتر ✓ | زرد * |
| ۳۲ بررسی گزینه‌ها: | درخت * | شاخه‌ها * | میوه * |
| ۳۳ بررسی گزینه‌ها: | خورشید * | پاره آتش * | ترو تازه ✓ |
| ۳۴ بررسی گزینه‌ها: | ابر * | باران * | آسمان * |
| ۳۵ بررسی گزینه‌ها: | ماه * | درخت ✓ | شب * |
| ۳۶ بررسی گزینه‌ها: | یاری‌کننده ✓ | موفق * | پیروز * |
| ۳۷ | شکر خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفرید. | | |
| ۳۸ | در آفرینش آسمان‌ها و زمین تفکر می‌کنند. | | |
| ۳۹ | پروردگارا! این [ها] را بیهوده نیافریدی. | | |

- | | |
|---------|--|
| ۴۰ | آن همان خدایی است که نعمت‌هایش فراوان (ریزان) است. |
| ۴۱ | آن درخت از دانه‌ای رشد کرد. |
| ۴۲ | این درخت دارای شاخه‌های تر و تازه است. |
| ۴۳ | پاره آتش خورشید در آسمان فروزان است. |
| ۴۴ | در خورشید نوری است و با آن گرمایی پخش می‌شود. |
| ۴۵ | خداوند، خورشید را در فضا مانند پاره آتش به وجود آورد. |
| ۴۶ | خداوند دارای حکمتی کامل و قدرتی نیرومند است. |
| ۴۷ | خداوند ماه را در شب به وجود آورد و آن را با ستاره‌هایی مانند مرواریدها زینت بخشید. |
| ۴۸ | خداوند باران را از ابر فرو فرستاد. |
| ۴۹ | ماه، ستاره‌ای است [که] گرد زمین می‌چرخد. |
| ۵۰ | مرواریدها از سنگ‌های زیبایی دارای رنگ سفید است. |
| ۵۱ | ابر بخاری فشرده در آسمان است [که] از آن باران نازل می‌شود. |
| ۵۲ | پیراهن زنانه از لباس‌های زنانه دارای رنگ‌های مختلف است. |
| ۵۳ | این متن کوتاه را با کمک فرهنگ لغت، ترجمه کن. |
| ۵۴ (۲). | «یها» به معنای «با آن، به وسیله آن» است. |
| ۵۵ (۲). | «الدُّرَر» جمع و به معنای «مرواریدها» است. |
| ۵۶ (۲). | «يَنْزِلُ» فعل مضارع و به معنای «نازل می‌شود» است. |
| ۵۷ | رشد کرد. |
| ۵۸ | خارج می‌کند - میوه را |
| ۵۹ | پاره آتش - فروزان |
| ۶۰ | می‌چرخد - نور آن |
| ۶۱ | گران‌بها - سفید |
| ۶۲ | سفر کردی |
| ۶۳ | خواهیم نوشت |
| ۶۴ | بنویسید |
| ۶۵ | خواهم نوشت |
| ۶۶ | نمی‌نویسند |
| ۶۷ | که سفر کنم |
| ۶۸ | می‌نوشتند |
| ۶۹ | ننویس |
| ۷۰ | می‌چرخد |
| ۷۱ | ننوشتند |
| ۷۲ | ذالك هو الله |
| ۷۳ | أولئك المسلمون |
| ۷۴ | تلك الشجرة |
| ۷۵ | هؤلاء معلّمت |
| ۷۶ | هذان الموظفان |
| ۷۷ | هؤلاء الأصدقاء |
| ۷۸ | هاتان رسالتان |
| ۷۹ | فاعل - أفعال، ن - ص - ر |
| ۸۰ | مُفْعِل - إفعال، س - ل - م |
| ۸۱ | فَعْل - مَفْعُول، ن - ص - ر |
| ۸۲ | فَعَال - فَعُول، ص - ب - ر |
| ۸۳ | فَعِيل - أَفْعَل، ج - م - ل |
| ۸۴ | مُفْتَعَل - إفتعال، ح - ر - م |
| ۸۵ | كَتَبَ |
| ۸۶ | سَأَذْهَبُ |
| ۸۷ | لَا يَكْتُبُونَ |
| ۸۸ | يَنْزِلُ |
| ۸۹ | مَا كَتَبْتُ |
| ۹۰ | إِقْرَأْ |
| ۹۱ | لَا تَكْتُبُ |
| ۹۲ | وَصَلُّوا |
| ۹۳ | كَتَبْتُمْ |
| ۹۴ | نُنْصُرُ |
| ۹۵ | يَكْتُبُ |
| ۹۶ | إِخْمَلُوا |
| ۹۷ | أَطْلُبَا |
| ۹۸ | لَا تَنْظُرِي |
| ۹۹ | لَا تَكْشِفُ |
| ۱۰۰ | إِزْكِبَا |
| ۱۰۱ | أُزْشِمِي |
| ۱۰۲ | لَا تَضْحَكُوا |



الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ

الدَّرْسُ الثَّانِي

- ۱۴۳ پندهایی
۱۴۴ یاد داد
۱۴۵ جاری کرد
۱۴۶ کاشت
۱۴۷ به ارث گذاشت - قرآنی
۱۴۸ به جای گذاشت - آموزش می‌خواهد
۱۴۹ صد
۱۵۰ نگه داشت - نود و نه
۱۵۱ به هم مهربانی می‌کنند - آفریدگان
۱۵۲ کافی است
۱۵۳ بخورید - پراکنده نشوید
۱۵۴ خالص شد - چشمه‌ها
۱۵۵ درد
۱۵۶ گردشگر
۱۵۷ چه زیباست! - استان
۱۵۸ ملّت - مهمان دوست
۱۵۹ فرستادیم - ماند
۱۶۰ آوَرَد (بیاوَرَد)
۱۶۱ پرهیزکاری - فقر
۱۶۲ قادر است - شنیدن
۱۶۳ مورچه - بالاتر است
۱۶۴ میسر است
۱۶۵ الف (جَزَاء = أَجْر)
۱۶۶ الف (جَلَم = ضَبْر)
۱۶۷ الف (وَزَتْ = تَرَكْ)
۱۶۸ الف (مَوْعِظَةٌ = نَصِيحَةٌ)
۱۶۹ الف (أَبَتْ = أَفْرَغْ)
۱۷۰ الف (وَجَعَ = أَلَمَ)
۱۷۱ الف (يَتَّبِعُ = عَيْنَ)
۱۷۲ الف (عَامَ = سَنَةً)
۱۷۳ إِمَام
۱۷۴ مَوْعِظَةٌ
۱۷۵ أَمْتَار
۱۷۶ يَتَّبِعُ
۱۷۷ بَاب
۱۷۸ مَثَل
۱۷۹ قَدَم
۱۸۰ رَقَم
۱۸۱ نور
۱۸۲ جُزْء
۱۸۳ نَفْس
۱۸۴ جَمَل
- ب (حياة ≠ موت)
ب (دُنْيَا ≠ آخِرَة)
ب (قَلِيل ≠ كَثِير)
ب (صَبَاح ≠ مَسَاء)
ب (يَكْفِي ≠ لَا يَكْفِي)
ب (قَبْل ≠ بَعْد)
ب (كَبِير ≠ صَغِير)
ب (خَلال ≠ حَرَام)

۱۵۳ انزِلَا

۱۵۴ شش و ربع



۱۵۵ نه و نیم



۱۵۶ یک ربع به هفت



- ۱۵۷ فعل مضارع
۱۵۸ فعل امر
۱۵۹ فعل مستقبل
۱۶۰ فعل ماضی
۱۶۱ فعل نهی
۱۶۲ فعل ماضی منفی
۱۶۳ فعل مستقبل
۱۶۴ ماضی استمراری
۱۶۵ ماضی نقلی
۱۶۶ ماضی بعید
۱۶۷ جمع مذکر غایب
۱۶۸ جمع مذکر مخاطب
۱۶۹ قطع‌های جدا از آتش فروزان (السَّرَازَة: اخگر، پاره آتش)
۱۷۰ بخاری فشرده در آسمان، از آن باران می‌بارد. (الغَیم: ابر)
۱۷۱ پاره آتش آن فروزان است، در آن نوری است و با آن گرمایی پخش می‌شود. (السُّمَس: خورشید)
۱۷۲ از لباس‌های زنانه دارای رنگ‌های مختلف. (الْفُسْتَان: پیراهن زنانه)
۱۷۳ سیاره‌ای که دور زمین می‌چرخد، نور آن از خورشید است. (القَمَر: ماه)
۱۷۴ از سنگ‌های زیبای گران‌بهای سفیدرنگ. (الدُّر: مروارید)
(دو کلمه «الزُّجَاجَة: شیشه» و «الأنْعَم: نعمت‌ها» اضافی است.)
۱۷۵ روز اوّل هفته، روز یکشنبه است. ✖
۱۷۶ روز پنجم هفته، روز پنج‌شنبه است. ✖
۱۷۷ ماه نهم سال، ماه آذر است. ✓
۱۷۸ ماه یازدهم سال، ماه بهمن است. ✓
۱۷۹ فصل دوم سال، فصل اردیبهشت است. ✖
۱۸۰ فصل چهارم سال، فصل زمستان است. ✓



نَصْ متن	مُنْتَشِرَةٌ بخش شونده، پراکنده	مُجِدَّ کوشا، پرتلاش
نَضْرَةٌ تَر و تازه	مُنْقَصِلَةٌ جدا، جدا شده	مُحَافِظَةٌ استان
نَمَتْ رشد کرد (مؤنثِ نَمَا)	مُنْهَمِرَةٌ ریزان، سرازیر، جاری	مُسْتَعِیْرَةٌ فروزان
يُخْرِجُ درمی آورد	مُؤَظَّف کارمند	مُسْتَعِیْنًا بِا استفاده از
يَسَار چپ	نَاجِح موفق، قبول	مَسْمُوح مُجاز
يَمِين راست	نَام خوابید	مُعْجَم لغت نامه، فرهنگ لغت
وادی دهستان، روستا	نَزَلَ - نَزِلَ فرود آمد - فرود می آید	مَطَار فرودگاه
	نِسَائِيَّة زنانه	مُقْتَدِر نیرومند

مترادف‌ها

نَاجِح = فَايِز موفق	مُجْتَهِد = مُجِدَّ تلاشگر، کوشا	ضياء = نور روشنائی
تَمَر = فَاكِهَةٌ میوه	سَرَزَةٌ = جَذْوَةٌ پاره آتش	إِجْعَلَ = ضَغ قرار بده
خَبِيب = صَدِيق دوست	غَیْم = سَحَاب ابر	رَقَدَ = نَام خوابید

متضادها

خزین غمگین ≠ مسرور شاد	بَیْع خرید ≠ شِراء فروش	أَكْثَب بنویس ≠ لَا تَكْتُب ننویس
ممنوع غیرمجاز ≠ مسموح مجاز	بِدَايَةِ آغاز ≠ نِهَائِيَةِ پایان	رَخِیصَةٌ ارزان ≠ غَالِيَةٌ گران
نور، ضياء روشنائی ≠ ظُلْمَةٌ تاریکی	بَعِيد دور ≠ قَرِيب نزدیک	رَاسِب مردود ≠ نَاجِح قبول
	قَبِيح زشت ≠ جَمِيل زیبا	يَسَار چپ ≠ يَمِين راست

جمع مکسر

أَصْدِقَاءُ صديق دوست	أَنْبِیَاءُ بُحْث تحقیق، پژوهش	عُصُونُ غَضَن شاخه
أَحْرُوفُ حرف حرف	أَتَمَرِین تمرین تمرین	أَنْعَمُ نِعْمَةٌ نعمت
عَقْرَابُ عَقْرَبَةٌ عقربه	أَخْجَارُ خَجَر سنگ	أَنْجَمُ نَجْم ستاره
جِبَالُ جَبَل کوه	مَلَابِسُ مَلَبَس لباس	دُرَرُ دُر مروارید
	أَلْوَانُ لَوْن رنگ	أَفْعَالُ فِعْل کار
	تَرَاكِبُ تَرَكِيب ترکیب	جُمْلُ جُمْلَةٌ جمله

متن درس

ذَٰلِكَ هُوَ اللَّهُ (آن همان خداوند است.)

عبارت:	أَنْظُرُ	لِئَلَّكَ	السَّجَرَةُ	ذَاتِ	الْعُصُونِ	النَّضْرَةِ
ترجمه کلمه به کلمه:	نگاه کن	به آن	درخت	دارای	شاخه‌ها	تر و تازه
ترجمه روان:	به آن درختِ دارای شاخه‌های تر و تازه نگاه کن.					
کلمه‌های مهم:	أَنْظُرُ فعل امر / تلك: اسم اشاره به دور برای مفرد مؤنث / الْعُصُون: جمع مکسر و مفرد آن «الْعُصْن» / النَّضْرَةُ: صفت برای «الْعُصُون»					
عبارت:	كَيْفَ	نَمَتْ	مِنْ	حَبَّةٍ	وَ	كَيْفَ
ترجمه کلمه به کلمه:	چگونه	رشد کرد	از	دانه‌ای	و	چگونه
ترجمه روان:	چگونه از دانه‌ای رشد کرد و چگونه درخت شد؟					
کلمه‌های مهم:	نَمَتْ فعل ماضی از ریشه «ن م و» و مذکر آن «نَمَا» است. / «صَارَتْ» فعل ماضی و مذکر آن «صَارَ» از ریشه «ص ی ر» است.					

عبارت:	فَأَيُّحْتُ	وَ	قُلْ	مَنْ	ذَا	الَّذِي	يُخْرِجُ	مِنْهَا	الَّتَمَرَه
ترجمه کلمه به کلمه:	پس تحقیق کن	و	بگو	کیست	این	کسی که	در می آورد	از آن	میوه

ترجمه روان: پس تحقیق کن و بگو کیست این کسی که از آن [درخت] میوه را درمی آورد؟

کلمه های مهم: «إِيْحْتُ»: فعل امر از ریشه «ب ح ث» است. / قُلْ: فعل امر از ریشه «ق و ل» است. / «يُخْرِجُ» فعل مضارع از ریشه «خ ر ج» است.

عبارت:	وَ أَنْظُرْ	إِلَى	الشَّمْسِ	الَّتِي	جَذَوْتُهَا	مُسْتَعْرَه
ترجمه کلمه به کلمه:	و نگاه کن	به	خورشید	که	پاره آتش آن	فروزان

ترجمه روان: و به خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است نگاه کن.

کلمه های مهم: «الشَّمْسِ»: به معنای «خورشید» مؤنث است و این نکته را می توان از ضمیر «ها» متصل به «جَذَوْتُهَا» که به «الشَّمْسِ» برمی گردد فهمید! چون ضمیر «ها» مخصوص مؤنث است. / «مُسْتَعْرَه» بر وزن «مُفْعِل» و از ریشه «س ع ر» است.

نکته ترجمه: اسم موصول (الَّتِي) پس از اسم «ال» دار به صورت «که» ترجمه می شود و ترجمه خود آن اسم «ال» دار نیز با «ی» همراه است. پس ترجمه «الشَّمْسِ الَّتِي» به صورت «خورشیدی که» صحیح است.

عبارت:	فِيهَا	ضِيَاءٌ	وَ	بِهَا	خَرَارَةٌ	مُنْتَشِرَه
ترجمه کلمه به کلمه:	در آن	روشنایی	و	با آن	گرما	پخش شونده

ترجمه روان: در آن [خورشید] روشنایی هست و با آن گرما و حرارتی پخش می شود.

کلمه های مهم: «ضياء» اسم مفرد از ریشه «ض و ء» است. / «مُنْتَشِرَه» بر وزن «مُفْعِل» از ریشه «ن ش ر» است. / ضمیر «ها» در «فِيهَا» و «بِهَا» به «الشَّمْسِ» برمی گردد.

عبارت:	مَنْ	ذَا	الَّذِي	أَوْجَدَهَا	فِي	الْجَوْ	مِثْلُ	الشَّرَرَه
ترجمه کلمه به کلمه:	کیست	این	کسی که	پدید آورد آن را	در	فضا	مثل	پاره آتش

ترجمه روان: این کیست که آن [خورشید] را همانند پاره آتش در فضا پدید آورد؟

کلمه های مهم: «ذَا» همان «هَذَا» به معنای «این» است. / «أَوْجَدَهَا» فعل و از ریشه «و ح د» است. / ضمیر «ها» در «أَوْجَدَهَا» به «الشَّمْسِ» برمی گردد.

عبارت:	ذَاكَ	هُوَ	اللَّهُ	الَّذِي	أَنْعَمَهُ	مُنْهَمَرَه
ترجمه کلمه به کلمه:	آن	او	خدا	که	نعمت هایش	ریزان

ترجمه روان: آن، همان خدایی است که نعمت هایش ریزان است.

کلمه های مهم: «ذَاكَ» اسم اشاره و به معنای «آن» است. / «هُوَ» ضمیر برای مفرد مذکر است و در این جا به صورت «همان» ترجمه می شود. / «أَنْعَمَهُ» جمع مکسر «نعمه» است. / ضمیر «ه» متصل به «أَنْعَمَهُ» به «الله» برمی گردد؛ در واقع مرجع ضمیر «ه» اسم «الله» است. / «مُنْهَمَرَه» بر وزن «مُفْعِل» و از ریشه «ه م ر» است.

نکته ترجمه: «الله الَّذِي» همانند «الشَّمْسِ الَّتِي» ترجمه می شود. یعنی «الله» با «ی» ترجمه می شود و «الَّذِي» به صورت «که» و به صورت «خدایی که» می آید؛ چون «الله» نیز در واقع اسمی «ال» دار است؛ اصل آن «الإله» بوده است که به صورت «الله» درآمده است.

عبارت:	ذُو	حِكْمَةٍ	بَالِغَةٍ	وَ	قُدْرَةٍ	مُقْتَدِرَه
ترجمه کلمه به کلمه:	صاحب، دارای	دانشی	کامل	و	توانایی	نیرومند

ترجمه روان: [خداوند] صاحب دانشی کامل و توانایی زیاد است.

کلمه های مهم: «ذُو» اسم و به معنای «صاحب» است؛ کلمه های «ذَا، ذِي و ذات» نیز به همین معنا هستند. / «بَالِغَه» بر وزن «فَاعِل» است. / «مُقْتَدِرَه» بر وزن «مُفْعِل» و از ریشه «ق د ر» است.

عبارت:	أَنْظُرْ	إِلَى	الَّيْلِ	فَمَنْ	أَوْجَدَ	فِيهِ	قَمَرَه
ترجمه کلمه به کلمه:	نگاه کن	به	شب	پس چه کسی	پدید آورد	در آن	ماه

ترجمه روان: به شب نگاه کن پس چه کسی در آن ماه را پدید آورد؟

کلمه های مهم: «الَّيْلِ» اسم مفرد مذکر است و ضمیر «ه» در «فِيهِ» به آن برمی گردد.

عبارت:	وَ	زَانَهُ	بِأَنْجَمٍ	كَالذَّرَرِ	الْمُنْتَشِرَه
ترجمه کلمه به کلمه:	و	زینت داد آن را	با ستاره ها	مانندِ مرواریدها	پراکنده

ترجمه روان: و آن (شب) را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده، زینت داد.

کلمه های مهم: «زَانَهُ» فعل ماضی و از ریشه «ز ی ن» است. / «بِأَنْجَمٍ» جمع مکسر «نَجْم» است. / «الذَّرَرِ» جمع مکسر «ذَرَر» است. / «الْمُنْتَشِرَه» اسم بر وزن «مُفْعِل» و از ریشه «ن ش ر» است.

عبارت:	وَ	أَنْظُرْ	إِلَى	الْغَيْمِ	فَمَنْ	أَنْزَلَ	مِنْهُ	مَطَرَه
ترجمه کلمه به کلمه:	و	نگاه کن	به	ابر	پس چه کسی	نازل کرد	از آن	باران

ترجمه روان: و به ابر نگاه کن پس چه کسی از آن باران را نازل کرد (فرو فرستاد)؟

کلمه های مهم: «الْغَيْمِ» مفرد و جمع مکسر آن «الغَيوم» است. / «أَنْزَلَ» فعل ماضی بر وزن «أَفْعَلَ» و از ریشه «ن ز ل» است.



| جواز: گفت‌وگو، مکالمه | التَّعَارُفُ فِي مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ (آشنایی در فرودگاه نجف اشرف)

زائر مَرَقِدِ أميرالمؤمنين عَلِي (ع)

ترجمه روان: زیارت‌کننده بارگاه امیرمؤمنان حضرت علی (ع)

زائر: السَّلام عَلَیْکُمْ

ترجمه روان: سلام بر شما

زائر: صَبَاحَ الْخَيْرِ! یا آخِ!

ترجمه روان: صبح بخیر! ای برادرم!

زائر: کَيْفَ حَالُکَ؟

ترجمه روان: حالت چطور است؟

زائر: بِخَيْرٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ.

ترجمه روان: خوبم خدا را شکر.

زائر: أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِیَّةِ الْإِسْلَامِیَّةِ الْإِیرَانِیَّةِ.

ترجمه روان: من از جمهوری اسلامی ایران هستم.

زائر: اِسْمِی حُسَین و مَا اِسْمُکَ الْکَرِیمِ؟

ترجمه روان: اسم من حسین است و اسم شریف تو چیست؟

زائر: هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إیران حَتَّى الْآنَ؟

ترجمه روان: آیا تاکنون به ایران سفر کردی؟

زائر: إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إیران.

ترجمه روان: اگر خدا بخواهد به ایران سفر می‌کنی.

زائر: فِی أَمَانِ اللَّهِ.

ترجمه روان: در پناه خدا.

أَحْذِ الْمُؤَظَّفَینَ فِی قَاعَةِ الْمَطَارِ

ترجمه روان: یکی از کارمندان در سالن فرودگاه

المُؤَظَّف: وَ عَلَیْکُمْ السَّلام وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهَا.

ترجمه روان: و بر شما سلام و رحمت خدا و برکات او.

المُؤَظَّف: صَبَاحَ النُّورِ وَ الشُّرُورِ.

ترجمه روان: صبح [شما] پُر باشد از روشنی و خوشی.

المُؤَظَّف: أَنَا بِخَيْرٍ وَ کَيْفَ أَنْتَ؟

ترجمه روان: من خوبم و چطوری تو؟

المُؤَظَّف: عَفْوًا مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

ترجمه روان: ببخشید از کجایی تو؟

المُؤَظَّف: مَا اِسْمُکَ الْکَرِیمِ؟

ترجمه روان: اسم شریف تو چیست؟

المُؤَظَّف: اِسْمِی عَبْدُ الرَّحْمَنِ.

ترجمه روان: اسم من عبدالرحمان است.

المُؤَظَّف: لَا، مَعَ الْأَسَفِ لِكُنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.

ترجمه روان: نه؛ متأسفانه ولی من دوست دارم سفر کنم.

المُؤَظَّف: إِنْ شَاءَ اللَّهُ إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ.

ترجمه روان: اگر خدا بخواهد. به امید دیدار به سلامت.

المُؤَظَّف: فِی أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ یا حَبِیبِی!

ترجمه روان: در پناه خدا و حفاظت او ای دوست من!

تمرین کتاب درسی

الْتَّمِیزُ النَّوْلُ تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ، وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ. (این جمله‌ها را ترجمه کن و نوع فعل‌ها را بنویس.)

روى دیوار. ننویس.	لا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ.	نامه‌ات را بنویس.	اَكْتُبْ رِسَالَتَكَ.
لا تَكْتُبْ: فعل. نهی		اَكْتُبْ: فعل. امر	
ایشان با سرعت. (با عجله). نمی‌نویسند.	هُنَّ لَا يَكْتُبْنَ بِسُرْعَةٍ.	تکلیف‌هایتان را بنویسید.	اَكْتُبُوا واجِبَاتِكُمْ.
لا يَكْتُبْنَ: مضارع. منفی. (نفی)		اَكْتُبُوا: فعل. امر	
به راستی ما پژوهش‌هایی را خواهیم نوشت.	إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْحَاثًا.	درس را خواهیم نوشت.	سَأَكْتُبُ دَرْسِي.
سَوْفَ نَكْتُبُ: فعل. مستقبل		سَأَكْتُبُ: فعل. مستقبل	
یادگفت می‌نوشتند.	كَانُوا يَكْتُبُونَ بِدَقَّةٍ.	تمرین‌هایتان را بنویشتید.	مَا كَتَبْتُمْ تَمَارِينَكُمْ.
كَانُوا يَكْتُبُونَ: ماضی. استمراری		مَا كَتَبْتُمْ: ماضی. منفی. (نفی)	

التمرین الثاني ضَع فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةً وَاحِدَةً زَائِدَةً» (در دایره عدد مناسب را بگذار. «یک کلمه اضافه است.»)

۱. الشَّرْزَةُ (اخرگر) ۷ الف) مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ. (از سنگ‌های زیبای گران قیمت که سفیدرنگ است.)
۲. الشَّمْسُ (خورشید) ۲ ب) جَذَوْنَهَا مُسْتَعِرَّةً، فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ. (پاره آتشش فروزان است، در آن روشنایی است و گرمایش پخش می‌شود.)
۳. الْقَمَرُ (ماه) ۳ ج) كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ. (سیاره‌ای که به دور زمین می‌چرخد؛ نورش از خورشید است.)
۴. الْأَنْعُمُ (نعمت‌ها) ۵ د) بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ. (بخاری فشرده در آسمان که از آن باران می‌بارد.)
۵. الْغَنَمُ (ابر) ۶ هـ) مِنَ الْمَلَابِسِ النِّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ. (از لباس‌های زنانه با (دارای) رنگ‌های گوناگون)
۶. الْقُسْتَانُ (پیراهن زنانه) ۱ و) قِطْعَةٌ مُنْفَصِلَةٌ عَنِ النَّارِ الْمُسْتَعِرَةِ. (پاره‌ای جداشده از آتش فروزان)
۷. الدَّرَزُ (مرواریدها) «الأنعم» اضافه است.

التمرین الثالث ضَع هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (این جمله‌ها و ترکیب‌ها را در جای مناسبش قرار بده.)

هَؤُلَاءِ فَائِزَاتٌ / هَٰذَا الذَّلِيلَانِ / تِلْكَ الْبَطَارِيَّةُ / أُولَٰئِكَ الصَّالِحُونَ / هَؤُلَاءِ الْأَصْدِقَاءُ / هَاتَانِ رُجَا جَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنای مذکر	مثنای مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
تِلْكَ الْبَطَارِيَّةُ	هَٰذَا الذَّلِيلَانِ	هَاتَانِ رُجَا جَتَانِ	أُولَٰئِكَ الصَّالِحُونَ	هَؤُلَاءِ فَائِزَاتٌ	هَؤُلَاءِ الْأَصْدِقَاءُ
آن باتری	این دو راهنما	این‌ها دو شیشه هستند.	آن درستکاران	این‌ها برندگان هستند.	این دوستان

التمرین الرابع اُكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ. (وزن کلمات زیر و حروف اصلی آن‌ها را بنویس.)

۱. ناصِر، مَنْصُور، أَنْصَار: (ناصِر: فاعِل)، (مَنْصُور: مَفْعُول)، (أَنْصَار: أفعال)، (حروف اصلی: ن، ص، و).
۲. صَبَّار، صَبُور، صَابِر: (صَبَّار: فَعَال)، (صَبُور: مَفْعُول)، (صَابِر: فاعِل)، (حروف اصلی: ص، ب، و).

التمرین الخامس ضَع الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي الْفَرَاغِ الْمُنَاسِبِ. (مترادف‌ها و متضادها را در جای خالی مناسب بگذار.)

ضياء (روشنایی) / نام (خواهید) / ناجح (موفق) / مسرور (خوشحال) / قریب (نزدیک) / جميل (زیبا) / نهائية (پایان) / يمين (راست) /
غالية (گران) / شراء (خرید) / مسموح (مجاز) / مجد (کوشا)

رخيضة (ارزان) ≠ غالية (گران)	رابيب (مردود) ≠ ناجح (قبول)	يسار (چپ) ≠ يمين (راست)	بيع (فروش) ≠ شراء (خرید)
بدائية (آغاز) ≠ نهائية (پایان)	بعيد (دور) ≠ قریب (نزدیک)	رقد = نام (خواهید)	قبيح (زشت) ≠ جميل (زیبا)
نور = ضياء (روشنایی)	خزين (غمگین) ≠ مسرور (خوشحال)	مجتهد = مجد (تلاشگر، کوشا)	ممنوع (غیرمجاز) ≠ مسموح (مجاز)

التمرین السادس أرْسِمْ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ. (عقربه‌های ساعت‌ها را بکش.)



۳. السَّادِسَةُ إِلَّا زَيْعًا

یک ربع مانده به شش (پنج و چهل و پنج دقیقه)



۲. الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ

هشت و نیم (هشت و سی دقیقه)



۱. الْخَامِسَةُ وَ الرُّبْعُ

پنج و ربع (پنج و پانزده دقیقه)



إِنْبَحْثْ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِي قَصِيرٍ أَوْ جَمَلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ- فَارْسِيٍّ. در اینترنت یا کتابخانه متنی کوتاه یا جمله‌هایی به زبان عربی درباره بزرگی و عظمت آفریده‌های خداوند جست و جو کن (پیدا کن). سپس آن را با کمک واژه‌نامه عربی - فارسی، به فارسی ترجمه کن.



• جِبَالُ كَبِيرُكُوهِ فِي مَدِينَةِ بَدْرَةِ بِمُحَافَظَةِ إِيلَام.

کوه‌های کبیرکوه در شهر بدره در استان ایلام.

• «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» (آل عمران ۱۹۱)

«و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند و [می‌گویند] پروردگارا! این [ها] را بیهوده نیافریدی.»

• وادي دَلْفَازِد فِي مُحَافَظَةِ كِرْمَان.

دهستان دلفازد در استان کرمان.

• عَيْنُ رَامِيَان فِي مُحَافَظَةِ غُلِسْتَان.

چشمه رامیان در استان گلستان.

• شَاطِئِ كُوشْكُنَار فِي مُحَافَظَةِ هَرْمُزْجَان.

ساحل کوشکنار در استان هرمزگان.



پرسش‌های درس اول



الف ترجمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حُطُّ: (کلماتی که زیرشان خط است را ترجمه کن.)

- | | |
|---|--|
| ۱ هَذِهِ الشَّجَرَةُ ذَاتُ الْعُصُونِ النَّضِرَةِ. | ۶ مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَ الشَّمْسُ مِثْلَ الشَّرَرَةِ. |
| ۲ تِلْكَ الشَّجَرَةُ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ. | ۷ ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ مَرَّةً. |
| ۳ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ. | ۸ ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَةِ وَ قَدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ. |
| ۴ الشَّمْسُ فِي السَّمَاءِ جَذُوتُهَا مُسْتَعِرَةٌ. | ۹ زَانَ اللَّهِ اللَّيْلَ بِأَنْجَمٍ كَالذُّرَرِ. |
| ۵ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ فِيهَا ضِيَاءٌ. | ۱۰ أَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ. |

ب عَيْنِ الْمُتَرَادِفِ وَ الْمُتَضَادِّ: (مترادف و متضاد را مشخص کن.)

- | | |
|---|---|
| ۱۱ ضِيَاءٌ / نَاجِحٌ / مُسْرُورٌ / مَمْنُوعٌ / رَاسِبٌ / نُورٌ | الف) (..... =) ب) (..... ≠) |
| ۱۲ نَامٌ / قَرِيبٌ / جَمِيلٌ / رَقَدٌ / بِدَايَةِ / بَعِيدٌ | الف) (..... =) ب) (..... ≠) |
| ۱۳ مُسْرُورٌ / مَمْنُوعٌ / مُجْتَنَدٌ / خَزِينٌ / مُجَدُّ / يَمِينٌ | الف) (..... =) ب) (..... ≠) |
| ۱۴ ضِيَاءٌ / مَسْمُوحٌ / نُورٌ / نِهَائِيَّةٌ / قَبِيحٌ / مَمْنُوعٌ | الف) (..... =) ب) (..... ≠) |
| ۱۵ رَخِيصَةٌ / إِجْعَلُ / نُورٌ / صُغٌ / غَالِيَّةٌ / يَسَارٌ | الف) (..... =) ب) (..... ≠) |
| ۱۶ بَيْعٌ / شَرَرَةٌ / شَرَاءٌ / جَذُوتٌ / نَضِرَةٌ / مُتَهَمَرَةٌ | الف) (..... =) ب) (..... ≠) |
| ۱۷ يَسَارٌ / نَاجِحٌ / بَعِيدٌ / يَمِينٌ / فَائِزٌ / حَبِيبٌ | الف) (..... =) ب) (..... ≠) |
| ۱۸ ظُلُمَةٌ / غَيْمٌ / نَاصِرٌ / سَحَابٌ / ضِيَاءٌ / رَاسِبٌ | الف) (..... =) ب) (..... ≠) |
| ۱۹ رَقَدٌ / إِجْعَلُ / فَائِزَةٌ / قَرِيبٌ / ثَمَرٌ / بَعِيدٌ | الف) (..... =) ب) (..... ≠) |
| ۲۰ حَبِيبٌ / جَمِيلٌ / صَغِيرٌ / صَدِيقٌ / قَبِيحٌ / خَزِينٌ | الف) (..... =) ب) (..... ≠) |

ج عَيْنُ مُفْرَدٍ أَوْ جَمْعِ الْكَلِمَاتِ: (مفرد یا جمع کلمات را مشخص کن.)

۲۱ | مفرد الكلمة أنجم:

۲۲ | جمع الكلمة الغضن:

۲۳ | مفرد «أنعم»:

۲۴ | جمع «الذّر»:

۲۵ | مفرد الكلمة «الملايس»:

۲۶ | جمع الكلمة اللون:

۲۷ | مفرد الكلمة: عقارب

۲۸ | جمع «الجملة»:

الف) الجمال (ب) الجميل (ج) الجمّل

۲۹ | مفرد «الأصدقاء»:

الف) الصادق (ب) الصديق (ج) الصّدق

۳۰ | مفرد «أحجار»:

الف) حجر (ب) حجر (ج) حجر

د عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي الْمَعْنَى: (کلمه ناهم‌هنگ در معنی را مشخص کن.)

(خرداد ۱۴۰۲)

۳۱ | الف) أرزق (ب) أحمّر (ج) أحسن (د) أضفر

۳۲ | الف) الشجر (ب) الغصون (ج) الثمر (د) الذّر

۳۳ | الف) الشمس (ب) الشّرة (ج) النّيرة (د) الحرارة

۳۴ | الف) الغيم (ب) المطر (ج) السماء (د) الليل

۳۵ | الف) القمر (ب) الشجر (ج) الليل (د) النّجم

۳۶ | الف) ناصر (ب) ناجح (ج) فائز (د) موفّق

ه تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ: (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.)

۳۷ | «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»

۳۸ | «يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»

۳۹ | «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»

۴۰ | ذاك هو الله الذي أنعمه منعمه.

۴۱ | تلك الشجرة نمت من حبة.

۴۲ | هذه الشجرة ذات الغصون النّيرة.

۴۳ | جذوة الشمس في السماء مستعرة.

۴۴ | في الشمس ضياء و بها حرارة مُتَنَشِرة.

۴۵ | أوجد الله الشمس في الجو مثل الشّرة.

۴۶ | الله ذو حكمه بالغه و قدره مقتدرة.

۴۷ | أوجد الله في الليل القمر و زانه بأنجم كالذّر.



۴۸ | أَنْزَلَ اللَّهُ الْمَطَرَ مِنَ الْغَيْمِ.

۴۹ | الْقَمَرُ كَوْكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ.

۵۰ | الذَّرَرُ مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.

۵۱ | الْغَيْمُ بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.

۵۲ | الْفُسْتَانُ مِنَ الْمَلَابِيسِ النَّسَائِيَةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.

۵۳ | تَرْجِمَ هَذَا النَّصَّ الْقَصِيرَ مُسْتَعِينًا بِالْمُعْجَمِ.

و | اِنتِخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ: (ترجمه صحیح را انتخاب کن.)

۵۴ | فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.

۱) در آن نور و روشنایی است و گرمایی که پخش می‌شود.

۲) در آن نوری است و با آن گرمایی منتشر می‌شود.

۵۵ | زَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالذَّرَرِ الْمُتَنَشِّرَةِ.

۱) زینت داد آن را با ستاره‌هایی هم چون مروارید پراکنده.

۲) آن را با ستاره‌هایی چون مرواریدهای پراکنده زینت بخشید.

۵۶ | بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.

۱) بخاری انباشته در آسمان که باران را فرو فرستاد.

۲) بخاری فشرده در آسمان که باران از آن نازل می‌شود.

ز | كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن.)

۵۷ | كَيْفَ نَمَتَ مِنَ حَبَّةٍ:

چگونه از دانه‌ای

۵۸ | اِبْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا النَّفْثَةَ.

تحقیق کن و بگو کیست این کسی که از آن

۵۹ | اَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتَهَا مُسْتَعْرَةً.

نگاه کن به خورشیدی که آن است.

۶۰ | كَوْكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ: ضِياؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.

سیاره‌ای دور زمین؛ از خورشید است.

۶۱ | مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.

از سنگ‌های زیبای دارای رنگ

ح | تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (کلماتی که زیرشان خط است را ترجمه کن.)

۶۲ | هَلْ سَافَرْتُ إِلَى إِيْرَانِ؟

۶۷ | أُجِبْ أَنْ أُسَافِرَ:

۶۳ | سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْحَاثًا:

۶۸ | كَانُوا يَكْتُبُونَ بِدَقَّةٍ:

۶۴ | اَكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ:

۶۹ | لَا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ:

۶۵ | سَأَكْتُبُ دَرْسِي:

۷۰ | كَوْكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ:

۶۶ | هُنَّ لَا يَكْتُبْنَ بِسُرْعَةٍ:

۷۱ | مَا كَتَبُوا تَمَارِيْنَهُمْ:

ط | صَغِّ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ التَّرَاكِيْبِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ: (این جمله‌ها و ترکیب‌ها را در جای مناسب‌شان قرار بده.)

تلك الشَّجَرَة / ذاك هو الله / هذانِ الْمُوظَّفَانِ / هؤلاءُ مُعَلِّمَات / أولئك المُسْلِمُونَ / هؤلاءُ الْأَصْدِقَاء / هاتانِ رِسَالَتَانِ

۷۲ | مفرد مذکر.....

۷۶ | مثنی مذکر.....

۷۳ | جمع مذکر سالم.....

۷۷ | جمع مکسر.....

۷۴ | مفرد مؤنث.....

۷۸ | مثنی مؤنث.....

۷۵ | جمع مؤنث سالم.....

ی

اُكْتُبْ وزن الكلمات و حروفها الأصلية: (وزن كلمه ها و حروف اصلي شان را بنويس.)

۷۹ | ناصر، أنصار:

۸۰ | مُسْلِم، إسلام:

۸۱ | نَصْر، مُنْصُور:

۸۲ | صَبَّار، صَبُور:

۸۳ | جَمِيل، أَجْمَل

۸۴ | مُحْتَرَم، إِحْتِرَام:

ك

عَيِّن نَوْعَ الْأَفْعَالِ وَأَكْتُبْهَا فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ: (نوع فعل هارا مشخص كن و آن هارا در مكان مناسب شان بنويس.)

إِقْرَأْ كِتَابَكَ - كَتَبَ الطَّالِبُ - سَأَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ - هُمْ لَا يَكْتُبُونَ - يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ - مَا كَتَبْتُ تَمَارِينِي - لَا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ

۸۵ | فعل ماضي:

۸۶ | فعل مستقبل:

۸۷ | فعل مضارع للنفي:

۸۸ | فعل مضارع:

۸۹ | فعل ماضي للنفي:

۹۰ | فعل أمر:

۹۱ | فعل نهی:

ل

إِنْخَبِ الصَّحِيحَ: (صحيح را انتخاب كن.)

۹۲ | هم إِلَى سِنِّ الْبُلُوغِ.

۹۳ | أَنْتُمْ تَمَارِينَكُمْ.

۹۴ | نَحْنُ الْمُسْلِمِينَ.

۹۵ | هُوَ بِسُرْعَةٍ.

۹۶ | يَا رَجُلَ! هَذِهِ الْحَقِيبَةُ.

۹۷ | يَا طَالِبَتَانِ! النَّصْرَ.

۹۸ | يَا طَالِبَتُهُ إِلَى النَّاسِ بِعَيْنِ الْغَدَاوَةِ.

۹۹ | يَا حَبِيبِي عُيُوبَ النَّاسِ.

۱۰۰ | يَا زَانِرَانِ! السَّبَّازَةَ.

۱۰۱ | يَا زَمِيلَتِي صُورَةَ الشَّهِيدِ.

۱۰۲ | يَا أَوْلَادَ رَجَاءَ بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ.

۱۰۳ | يَا رَجُلَانِ! مِنَ الْحَافِلَةِ.

الف) وَصَلْتُمْ

الف) كَتَبُوا

الف) أَنْصُرُ

الف) تَكْتُبُ

الف) إِخْلُوا

الف) أُطْلِبُوا

الف) لَا نَنْتَظِرُ

الف) لَا تُكْشِفُ

الف) إِرْكِبُوا

الف) أُرْسِمُوا

الف) لَا تُضْحَكُوا

الف) إِنْزِلُوا

ب) وَصَلُوا

ب) كَتَبْتُمْ

ب) نَنْصُرُ

ب) يَكْتُبُ

ب) إِخْلُوا

ب) أُطْلِبُوا

ب) لَا نَنْتَظِرُ

ب) لَا تُكْشِفُ

ب) إِرْكِبُوا

ب) أُرْسِمُوا

ب) لَا تُضْحَكُوا

ب) إِنْزِلُوا